



۱۶۰



دولت هند پس از گذشت مدت‌ها از شروع روندی برای بررسی تابعیت قانونی ساکنان ایالت آسام در شمال شرق این کشور، تابعیت حدود دو میلیون نفر از مسلمانان را لغو کرده است.

شماره صد و شصت / ویژه نامه هیأت میثاق با شهدا
یازدهم شهریور ماه ۱۳۹۸ / شب سوم محرم ۱۴۴۱ قمری

بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام



سرانجام قیام غیر خانوادگی | ردپای آقازاده‌های نفتی در قراردادهای بین‌المللی

درآمدزایی از این راه ادامه دهد اما با ورود نهادهای نظارتی به پرونده کرسنت و ورود دادستانی نروژ به قرارداد استات اوپل با شرکت ملی نفت ایران، فساد توتال در دو قرارداد نیز کشف شد. این مسئول چگونه می‌تواند منافع ملی و منافع ایران را در نظر بگیرد، و از منافع شخصی و تعارض منافی که به وجود می‌آید دست بکشد؟ نکته اول خرده‌ای است که به برخی شخصیت‌های نظام وارد است. شخصیت‌هایی که قبل از انقلاب زندان رفته و شکنجه چشیده و رزمنده بوده‌اند، اما خانوادگی قیام نکرده‌اند! خانواده را از میدان نبرد دور نگه داشته‌اند و فرزندان نامأنوس از آرمان‌های خودشان تربیت کرده‌اند.

بود که این قرارداد پس از انصراف شرکت «کونوکوی» آمریکا به توتال رسید. این شرکت فرانسوی قرارداد توسعه فاز ۲ و ۳ پارس جنوبی را نیز با شرکت ملی نفت ایران امضا کرد و نقش آقازاده نفتی در انعقاد این قراردادها عجیب و باورنکردنی بود. پس از این قرارداد، آقازاده

البته برخی از آنها همچون آیت‌الله خزعلی از فرزندان خویش برائت‌جسته‌اند، و برخی فرزندان را به آرمان‌ها ترجیح داده‌اند. از میان اصحاب پیامبر (ص) می‌توان به زبیر اشاره کرد، که با وجود رزمندگی در رکاب پیامبر و امیرالمؤمنین، بخاطر فرزندش عبدالله، مقابل ولی‌خدا شمشیر کشید.

نفتی به سراغ «استات اوپل» و «کرسنت» رفت تا با اعمال نفوذ در این قراردادها، با دریافت پورسانتی کلان به همراه شریک خود یعنی عباس‌یزدان پناه، به

اکنون ساکن انگلستان است. پسر مقام دیپلماتیک جمهوری اسلامی هم طبق ادعای برخی رسانه‌ها، چند سالی در آمریکا زندگی کرده است. وی مدتی در شرکت «ورایزن» آمریکا مشغول به کار بوده است. و دیگری مواردی همانند این افراد. مسئولی که فرزندش تحت حمایت مالی شرکت‌های اروپایی مانند

توتال فرانسه است، چگونه امتیاز فعالیت‌های اقتصادی کلان مانند استخراج نفت را به شرکت‌های دیگر می‌دهد؟ نمونه‌ی دیگر؛ پروژه توسعه میادین جزیره سیری A و E

مسئولینی که فرزندان آن‌ها -چه به بهانه تحصیل و بورسیه دانشگاه‌ها و چه به بهانه کار برای شرکت‌های تجاری- در کشورهای اروپایی و آمریکا باشند؛ در قراردادهای روابط سیاسی، به سمت این کشورها گرایش پیدا می‌کنند. برای مثال؛ دختری از مسئولین در اتریش سکونت دارد. دختر فردی دیگر، دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه کلمبیای آمریکا بوده و اکنون در شعبه «دویچه بانک لندن» مشغول به کار است. یکی دیگر از مسئولین، در سال ۱۳۹۰ باحضور در یک برنامه تلویزیونی درباره زندگی شخصی دخترش توضیحاتی داد، که به سفرهایش به آمریکا و ژاپن اشاره می‌کند. پسر یکی از مقامات،

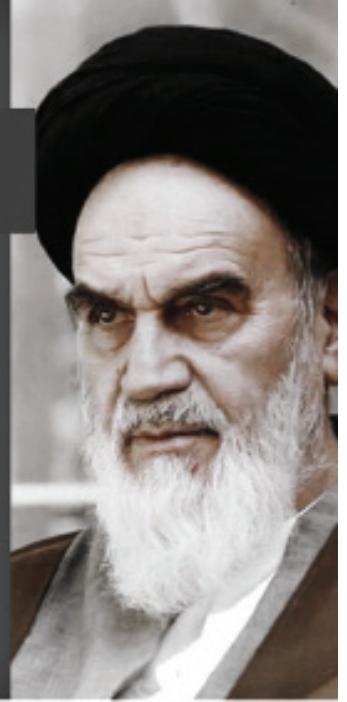


« امام فمینی

#حراج_انقلاب

آنهایی که در خانه‌های مجلل، راحت و بی‌درد آرمیده‌اند و فارغ از همه رنج‌ها و مصیبت‌های جان‌فرسای پابرنه‌های محروم، تنها ناظر حوادث بوده‌اند، نباید به مسئولیت‌های کلیدی تکیه کنند، که اگر به آن‌جا راه پیدا کنند، چه بسا انقلاب را یک شبه بفروشند!

صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۳۳



هیئت نوجوانان

سرانجام دوراهی مادر و پیامبر

ابتدا نوجوانی وارد مغازه پارچه‌فروشی پدرش شد و از او خواست رضایت‌نامه اردوی جهادی بسیج مسجدشان برای کمک به سیل‌زده‌ها را امضا کند؛ اما وقتی پدر بخاطر بارهای سنگینی که در زمان برگزاری اردو برای مغازه می‌آید، از دادن رضایت امتناع کرد؛ نوجوان عصبانی شد و با پدرش تندی کرد و از مغازه بیرون رفت. سپس با همان

رضایتشان را نیز بدست می‌آوریم». نوجوان هنوز می‌خواهد بداند «آیا گذشتن از خواسته‌هایمان برای رضایت پدرمادر فایده‌ای هم دارد؟» که فرمانده گفت: «مهمترین نتیجه‌اش این است که امام زمان (عج) عاشقمان می‌شود» و نوجوان متعجب را به سفری در دل تاریخ و شنیدن قصه «اویس قرنی» و کاری که باعث شد پیامبر (ص) دوستدار اویس شود، دعوت کرد. در ادامه اجازه گرفتن مؤدبانه اویس از مادر پیرش و سپس وسوسه‌های شیطان برای ماندن او در مدینه به تصویر کشیده شد. با رفتن اویس، پیامبر (ص) به مدینه بازگشت و بوی بهشت را از «قرن»، شهر اویس و مادرش استشمام کرد و علاقه خود را به اویس اعلام داشت. راوی نیز یادآور شد که اویس بخاطر رضایت مادرش عاقبت بخیر شد و در رکاب حضرت علی (ع) در جنگ صفین به شهادت رسید.

عصبانیت، نزد فرمانده پایگاه بسیج مسجد رفته و ماجرا را برای او تعریف کرد. او هم نوجوان را به آرامش دعوت کرد و از او خواست که فعلاً به هیئت نوجوانان بروند و بعد از هیئت با هم در این باره صحبت کنند. سپس رفته و کنار بچه‌ها نشستند. سخنران نیز از راه رسیده و صحبت‌هایشان را درباره اهمیت احترام به پدرمادر و نتایج مثبت رضایت آن‌ها در زندگی، آغاز کرد. بعد از سخنرانی، نوجوان از فرمانده پرسید: «احترام به پدرمادر اینقدر مهم است که حتی اگر از ما چیزی بخواهند که دوست نداریم، بازهم باید به حرفشان گوش دهیم؟» که فرمانده پاسخ داد: «با این‌کار علاوه بر حفظ احترام آن‌ها،



برشی از کتاب

«بر جاده‌های آبی سرخ»

ما پرچم خونینِ حق‌طلبی مولایمان علی را به دوش می‌کشیم، بی آنکه او را دیده باشیم. ما سلمانِ پارسى و بلالِ حبشی را از اعماقِ قلبمان می‌ستاییم، گرچه هرگز ایشان را ندیده‌ایم. شرط اعتقاد به رهبری، دیدن شخص رهبر نیست، بلکه دیدن نتایج اعمال اوست؛ شرط پیوستن به یک نهضت، ملاقات با سران آن نهضت نیست، بل برداشتن محصول مبارزه‌ی افراد آن نهضت است.

هرگز به قباى حسین نمى رسد [و] به خاطر او شمشیر می‌زنم و به هوای وصل او با کرور کرور اجنبی می‌جنگم، حسین را حسین نگه می‌دارد.



آقای ما حسین برای این حسین نشده است که ما او را دیده‌ایم، دستش را بوسیده‌ایم، در آغوشش گرفته‌ایم، خاک پایش را سرمه‌ی چشمانمان کرده‌ایم، یا او از نقشه‌هایی که برای رهایی فرزندانمان دارد، چیزهایی به ما گفته ... نه ... ما حسین را دوست داریم به خاطر آنکه با نام او، عطرِ نجابت در فضا پراکنده می‌شود؛ عطرِ ایمان، عطرِ مقاومت در برابر ظلم - از این سو تا آن سوی جهان، از زمین تا ستارگان حتی اگر حسینی هم وجود نداشت، این عطرِ حسینی پیچیده در فضا کافی بود تا ما را به ارادتِ حسین و مرکزِ شهادت بکشاند. این که دستِ من - دست های من -

«امیدی‌ه» فرصتی ویژه برای تابش فرهنگ بر سیاست

ضدانقلاب باشیم یا محافظه‌کار یا حزب‌اللهی؛ در هر حال، شب انتخابات بیدار شدن و به‌یاد افتاد مردم افتادن خوب نیست. دائم‌الانتخاباتی بودن و جز انتخابات، راه دیگری برای اصلاح نشناختن هم همین‌طور. اما بارها دیدیم که چهار سال کارآمدی هم کافی نیست. از تجربه حضرت امیر (ع) بگیریم تا همین انتخابات‌های اخیر، که نه کارآمدی تضمین برتری است و نه ناکارآمدی مسبب شکست. بلکه فرهنگ انتخابات مردم هم خیلی تعیین‌کننده است. فرهنگ انتخابات، از کجا می‌آید؟ بخشی‌اش از رفتار انتخاباتی سیاستمداران و مشاهیر؛ که خیلی دست ما نیست. و

این مستند را به مردم می‌شود رساند. و درست است که عمدتاً تا حالا، فرهنگ انتخاباتی، حداقل سهم را در تولیدات جبهه فرهنگی داشته، اما «امیدی‌ه»، قابلیت دارد یکی از عملیات‌های اصلی ما در شش ماه و یک‌و‌نیم‌سال پیش‌رو باشد و نقطه به نقطه برای مردم شهرها و روستاها اکران مردمی شود.

بخش دیگرش از مجموعه تولیدات فرهنگی و هنری و رسانه‌ای درباره انتخابات. به‌یاد بیاوریم که چطور در سال‌های اخیر، تولیدات مردمی و هنری، موج بزرگی از توجه و حمایت از کالاهای داخلی ایجاد کرد؛ در حالی که غالب مدیران نه در حیات شخصی و نه محیط کاری، هرگز پای کار کالای ایرانی نبودند. اخیراً مستندی عدالتخواهانه دیدم به نام «امیدی‌ه». اینطوری بخوانید: «امیدی‌ه» و با تأکید بر «ه». مستند اصلاً انتخاباتی و جناحی نیست و از زاویه سیاست به انتخابات نگاه نمی‌کند، اتفاقاً شدیداً ضد نفسانیات انتخاباتی همه جناح‌های سیاسی است. اما در عین حال، عمیقاً به‌درد فرهنگ انتخاباتی جامعه ایرانی می‌خورد. انگار ساخته شده است برای ایران امروز. و برای اینکه به‌نفع مردم، مسیر انتخاب‌ها تغییر کند. و حسن کار آنجاست که ماجرای امیدیه، تحلیلی فضایی و انتزاعی نیست، یک الگوی کاملاً عینی، عملی و دست‌یافتنی‌ست. ما که به امثال جمنا یا آن که تکرار می‌کند و سایر لیست‌بنویس‌ها دسترسی نداریم، (و چه خوب! که وقتمان کمتر تلف می‌شود؛) اما مردم در دسترس ما هستند.





کاوه؛ ستاره حماسه ساز شهدی

در ذهن خود، او را چنان ترسیم می‌کردند که گویی تا آن زمان، مثل و ماندش را ندیده‌اند: بلند قد، با دستانی قوی و کشیده و محاسنی بلند. حال آن‌که او نوجوانی بود که هنوز پشت لبش سبز نشده بود. قصه رزم او گاه آن‌چنان باورناپذیر می‌آید که به افسانه بیشتر شبیه است تا حقیقت. اما راهی که او با همه جوانی‌اش به دل نیروهایش باز کرده بود، حقیقتی است که شاید سخت بتوان باور کرد. کاوه در مقابله با دشمنان، مظهر قدرت حضرت روح‌الله بود که سال‌ها پیش گفته بود: «سربازان من در گهواره‌اند». از همین رو در صحنه نبردی که او حضور می‌یافت، دشمن میدان را خالی کرده و فرار می‌نمود و دوستان، روحیه و قوت قلبی مضاعف می‌یافتند. در ۲۲ سالگی فرمانده تیپ ویژه شهدا شد و درایتش، تیپ را به لشکر تبدیل کرد. محمود با آن همه شور و شغف جوانی، وقتی آرام شد که از ۲۵ سالگی‌اش، فقط چند ماه گذشته بود؛ در قله ۲۵۱۹ ارتفاعات حاج عمران.

قومی را تغییر نمی‌دهند؛ مگر اینکه آن‌ها ابتدا سرنوشت خودشان را تغییر دهند. مستضعفان! - که خداوند می‌خواهد شما را وارث زمین قرار دهد- خودتان هم برای بیرون آمدن از فرهنگ استضعاف باید قیام کنید. اصلا فلسفه جمهوری اسلامی همین است. انقلاب اسلامی، قیام مستضعفان است علیه مستکبران، مستضعفان باید زمینه وارث شدن را در خود ایجاد بکنند! برای اینکه مستضعفین از حالت استضعاف دربیایند دو شرط وجود دارد: یکی اینکه زندگی مستضعفان، سبک زندگی درست اسلامی باشد. یکی دیگر اینکه مدیران مستضعفان مدیران لایق و شایسته ای باشند، بخش اول سخن سال گذشته بود بخش دوم سخن امسال. مدیران جامعه طوری زندگی نکنند که به سمت طواغیت بروند، این قسمت باید اصلاح شود!

انقلاب برچیدن طاغوتی‌ها

گزیده بیانات حجت‌الاسلام پناهیان
در شب اول محرم ۱۳۹۸

و نُرِيدُ أَنْ نُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ما می‌خواهیم مستضعفین رو امامان و وارثان زمین قرار بدیم. در یک نتیجه گیری مختصر، این مستضعفین - که می‌خواهند امامان و وارثان زمین قرار بگیرند- باید زمینه و ظرفیت داشته باشند! می‌فرماید «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»، خدای متعال سرنوشت



پایگاه اطلاع رسانی بسیج دانشگاه امام صادق علیه السلام :

www.basijisu.ir

سامانه پیامکی : ۱۰۰۰۴۰۷۲

نشریه فتح در شبکه های اجتماعی : @fathisu

شماره تماس : ۰۹۳۰۸۸۷۱۷۷۱



برای دریافت فایل
الکترونیکی نشریه
کد روبرو را اسکن کنید.

« ویتنامه گفتمان انقلاب اسلامی »

ویتنامه فرهنگی سیاسی حیات - بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدیر مسئول: علیرضا رحیمیان / جانشین مدیر مسئول: علی راستی

سردبیر: علی اکبری

هیات تحریریه: مسعود عنابستانی، سبحان افشاریان، مجتبی رفعت، سیدرسول منفرد

دبیر هیات تحریریه: مجتبی رفعت روابط عمومی: حسین رضایی

طراحی: گروه طراحی خادم الشهداء